

به نام خدا

هدية بابا

نویسنده: لیلا کریمیان

تصویر گر: الہہ فضیلت

سرتاسره اسیان (۱۳۶۰) -
عنوان و نام پدیدآور: هدیه‌ها/ هداایه‌ها/ کریمیان، تصویرگر الهه فضیلت.
مشخصات نشر: اصفهان، نشر ستارگان درخشان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۲ ص.؛ مصور (رنگی).
شابک: ۹۶-۹۹-۹۸-۶-۹۸۸۶-۶
وضعیت فهرست نویسی: آلیفا
یادداشت: گروه سنی: ب.ج.
موضوع: داستان‌های اجتماعی
موضوع: هدیه-- داستان
شناسه افزوده: فضیلت، الهه. ۱۳۶۷ - تصویرگر
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲-۱۵۱۷-۵۰۳۰۰۰
شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۸۱۶۱۴



کنگره سرداران و
دو هزار و پانصتصد
شهرستان نجف آباد

ناشر، نشر ستارگان درخشان ■ نوبت چاپ اول: ۱۳۹۲ ■ شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

لینوگرافی و چاپ بهار آزادی نجف آباد ■ صحافی: سلام

تلفن مرکز بحری: ۲۷۲۴۹۲، دورنگار: ۲۷۲۴۹۲ - ۳۳۱

حق چاپ محفوظ و مخصوص کنگره بزرگداشت سرداران و دو هزار و پانصد شهید شهرستان نجف آباد است

قیمت: ۲۰۰۰ ریال

بعد با خوشحالی به نقاشی اش نگاه کرد و گفت:

این هم از مدرسه‌ی مامان زهرا.

اما پایین صفحه‌ی نقاشی اش هنوز هم خالی بود. دوباره مداد را برداشت و عکس خودش را کشید. با همان پیراهن صورتی که تنش بود.

۳



به نظرش رسید که باز هم نقاشی اش یک چیزی کم دارد. به دور و برش نگاه کرد. نمی‌دانست دیگر چه باید بکشد.



همه جا تمیز تمیز شده بود؛ مثل شب عید نوروز. زینب به گردن بندی که درست کرده بود، نگاه کرد. گردن بندی که پر بود از گل های لاله عباسی. چند تایی شان دو رنگ بودند. چند تا هم زرد و بعضی صورتی، درست مثل چادر نمازش.

مامان چادر نمازش را پهن کرد. زینب هم دوید توی اتاقش؛ چادرش را برداشت و کنار جا نماز مامان پهن کرد. چادرش را که سرش کرد مامان نگاهش کرد و خندید. زینب هم خندید و گفت: بابا علی، قبل از این که به جبهه برود، نماز خواندن را یادم داد. تازم به من گفت: تو باید به ننی کوچولویی هم که توی راه داریم، نماز خواندن را یاد بدهی. مامان زهرا روی سر زینب دست کشید، صورتش را بوسید و گفت: آفرین به دختر خویم.